

## Development of a mechanism for national work division to start the process of implementing the progress model

Reza Mehdi<sup>1\*</sup>

1. Department of Future Studies, Institute for Social and Cultural Studies (ISCS) of Ministry of Science, Research and Technology, Tehran, Iran, Email: mahdi002@Gmail.com

### Article Info

**Article type:**  
Short review article

**Article history:**  
Received: 21.08.2022  
Revised: 26.09.2022  
Accepted: 01.10.2022

**Keywords:**  
Iranian Islamic model of progress  
Systems thinking  
Process management  
Project management  
National work division

### ABSTRACT

The acceleration of developments in the fields of scientific, political, economic, social and cultural has made achieving progress to be a pre-planned process based on futures study and participation. In the challenging process, the opportunities and resources aren't enough. All the requirements of the progress aren't equal in importance and priority. A recommended measure for all the nations is to exploit their scientific, economic, social, cultural resources with maximum efficiency and effectiveness. Such a recommendation for the country is the inclusion of all material and spiritual assets in the process of progress. In the paper, with a positivist guidance approach and the use of documents and experiences and the systems thinking, a mechanism for national work division has been developed to start implementing the Iranian Islamic model of progress. Based on the fate of the existing national documents, it will be difficult or even impossible to move within the framework of the existing model without the precise and possibility of monitoring provision of conditions, measures and measures. Based on the mechanism presented in the study, using the methods of systems analysis, process and project management, the model of progress as a "comprehensive system" should first be divided into several meaningful "systems", "subsystems" and "activities", secondly, the "main" and "partner" national institutions in charge of the implementation of each of the systems, subsystems and activities should be determined, thirdly, a "flexible timetable" should be designed and established for the implementation, monitoring and reporting of the performance of each of the activities.

Cite this article: Mehdi, R. 2022. Development of a mechanism for national work division to start the process of implementing the progress model. *Journal of Studies in Entrepreneurship and Sustainable Agricultural Development*, 9 (3), 39-52.



© The Author(s).

DOI: 10.22069/JEAD.2022.20530.1636

Publisher: Gorgan University of Agricultural Sciences and Natural Resources

## توسعه سازوکار تقسیم کار ملی برای آغاز فرایند اجرای الگوی پیشرفت

رضا مهدی<sup>\*۱</sup>

<sup>۱</sup> گروه مطالعات آینده‌نگر، مؤسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، تهران، ایران، رایانامه: mahdi002@Gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله کوتاه مروری	شتاب تحولات در عرصه‌های تمدنی علمی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی موجب شده است که دستیابی به پیشرفت، یک فرایند از پیش طراحی شده مبتنی بر آینده‌پژوهی و مشارکتی باشد. در فرایند پُرچالش، فرصت‌ها و موجودی‌های کشورهای مختلف به اندازه‌ای نیست که با میل خویش حرکت کنند و به مقصد برسند. تمامی الزامات مسیر پیشرفت در آن واحد و در یک برهه مشخص، اهمیت و اولویت هم‌تراز ندارند. یک معیار و سازوکار قابل توصیه برای همه ملت‌های پیشرفت‌جو این است که از سرمایه‌ها و منابع تمدنی علمی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نمادین خود با حداکثر کارایی و اثربخشی، بهره‌برداری کنند. چنین توصیه‌ای برای کشور ما، ورود همه دارائی‌ها و داشته‌های تمدنی مادی و معنوی در فرایند پیشرفت است. در این مقاله، با رویکرد ارشادی مثبت‌گرا و استفاده از اسناد و تجارب و کاربست تفکر سیستمی، سازوکاری برای تقسیم کار ملی برای شروع فرایند اجرای الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، توسعه داده شده است. با استناد به سرنوشت اسناد ملی موجود، بدون تمهید دقیق و قابل پایش شرایط، اقدامات و تدابیر، حرکت در چارچوب الگوی موجود، دشوار یا حتی غیرممکن، خواهد بود. براساس سازوکار ارائه شده در این مقاله، با استفاده از روش‌های تجزیه و تحلیل سیستم‌ها، مدیریت فرایند و مدیریت پروژه، الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، تفکر سیستمی، مدیریت فرایند، مدیریت پروژه، تقسیم کار ملی
واژه‌های کلیدی: الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت تفکر سیستمی مدیریت فرایند مدیریت پروژه تقسیم کار ملی	کند. چنین توصیه‌ای برای کشور ما، ورود همه دارائی‌ها و داشته‌های تمدنی مادی و معنوی در فرایند پیشرفت است. در این مقاله، با رویکرد ارشادی مثبت‌گرا و استفاده از اسناد و تجارب و کاربست تفکر سیستمی، سازوکاری برای تقسیم کار ملی برای شروع فرایند اجرای الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، توسعه داده شده است. با استناد به سرنوشت اسناد ملی موجود، بدون تمهید دقیق و قابل پایش شرایط، اقدامات و تدابیر، حرکت در چارچوب الگوی موجود، دشوار یا حتی غیرممکن، خواهد بود. براساس سازوکار ارائه شده در این مقاله، با استفاده از روش‌های تجزیه و تحلیل سیستم‌ها، مدیریت فرایند و مدیریت پروژه، الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت به مثابه یک «سیستم جامع»، اولاً باید به چندین «سیستم»، «زیرسیستم» و «فعالیت» معنادار تجزیه و تقسیم شود، ثانیاً نهاد‌های ملی «اصلی» و «همکار» متولی اجرای هر یک از سیستم‌ها، زیرسیستم‌ها و فعالیت‌ها تعیین گردد، ثالثاً یک «جدول زمانی منعطف» برای اجرا، پایش و گزارش عملکرد هر یک از فعالیت‌ها طراحی و مستقر شود.

استناد: مهدی، ر. (۱۴۰۱). توسعه سازوکار تقسیم کار ملی برای آغاز فرایند اجرای الگوی پیشرفت. *مطالعات کارآفرینی و توسعه پایدار کشاورزی*، ۹ (۳)، ۳۹-۵۲.

DOI: 10.22069/JEAD.2022.20530.1636

ناشر: دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان



© نویسندگان.

## مقدمه

دانش و تجربه بشری گواه آن است که پیشرفت و تمدن در هر جامعه ابتدا در اذهان و ادراک نخبگان و مردم صورت‌بندی شده و در ادامه این ذهنیت‌ها و تصاویر به الگو و برنامه‌های قابل فهم عمومی و نخبگانی تبدیل می‌شود (Cowen and Shenton, 1996; Preston, 1996; Preston, 1998; Rapley, 2007). الگو یکی از پیش‌شرط‌های بالندگی در عرصه‌های پیشرفت و تعالی ملی است (محمد، ۱۳۷۸; Turner and Greig, 2007). برخلاف جریان مسلط تمدن غرب، جمهوری اسلامی همواره در تلاش بوده است تا الگوی پیشرفت مبتنی بر ظرفیت‌های سرزمینی و آموزه‌های دینی ارائه کند و نفس طرح آشکار ایده الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت یکی از تدابیر تحسین برانگیز و امیدبخش نظام جمهوری اسلامی است. الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در سال‌های پس از انقلاب اسلامی در عرصه‌های مختلف حیات اجتماعی پی‌گیری شده و در سال‌های اخیر اهتمام بر صورت‌بندی و تبیین الگوی خاص مد نظر قرار گرفته است.

در یک قرن اخیر الگوی توسعه در جهان حتی برای تمدن‌های بزرگ و اصیل بشری نظیر ایران، مصر و چین، دارای دو منبع تغذیه و قبله آمال شامل بلوک شرق به رهبری اتحاد جماهیر شوروی سابق و بلوک غرب به رهبری ایالات متحده آمریکا بوده است. شاهد این مدعا خود واژه «توسعه<sup>۱</sup>» است که به مفهوم حرکت در مسیر طی شده کشورهای به اصطلاح توسعه‌یافته نظیر جهان غرب به‌طور عام و آمریکای شمالی و اروپای غربی به‌طور خاص است. در این پارادایم برنامه‌های توسعه عمدتاً مبتنی بر شاخص‌های تحقق‌یافته یا در دست اقدام کشورهای غربی است. ملت‌ها و دولت‌های غیر غربی یا از حیث اراده و

روحیه نمی‌توانند در خارج از این قواعد بازی کنند یا در صورت برخورداری از اراده و شجاعت بازی در خارج از این میدان، به صورت مختلف دچار انزوا و هجمه نظام‌یافته مرئی و نامرئی می‌شوند. شاهد عینی این وضعیت، جمهوری اسلامی ایران است که در چهار دهه گذشته یک روز از حملات و زورآزمایی کشورهای غربی و متحدان آنها رها نبوده است.

تمدن غرب به رهبری ایالات متحده و متحدان اروپایی آن، سرمشق محتوایی توسعه اکثر ملت‌ها و کشورهای جهان شده است. الگویی که به‌رغم دستاوردهای مادی قابل توجه در برخی از ابعاد زندگی، جهان امروز را با مخاطرات و آسیب‌های جدی مواجه کرده است. افزایش فاصله طبقاتی و تعمیق فقر، کاهش روحیه فعالیت و تلاش در مردمی که از دستاوردهای توسعه بی‌نصیب مانده‌اند، افزایش کژکارکردی‌های روان‌شناختی ناشی از تحمل بی‌عدالتی در جامعه در قالب تعارضات خصمانه، خمودگی و انفعال در برابر رویدادهای اجتماعی، از جمله آسیب‌های الگوی توسعه غربی بوده است (الوانی و پورعزت، ۱۳۸۲). همچنین، نمونه زنده این توسعه آسیب‌زا، گسترش بی‌حد و حصر فناوری‌های نظامی و ترویج آگاهانه و برنامه‌ریزی شده این تفکر در سطح جهان است. دنیای گرسنه<sup>۲</sup> به‌جای علاج گرسنگی مردم، در تدارک جنگ‌افزارهای مخرب بوده و به‌غلط، رمز ثبات و آرامش خود را در انباشت و به‌کارگیری سلاح‌های متنوع و متعدد می‌داند.

اراده جمهوری اسلامی ایران در جهت‌گیری به سوی یک الگوی پیشرفت با محوریت اسلام و ایران با هدف دستیابی به مفهوم قرآنی حیات طیبه<sup>۳</sup> متضمن

۲. برای مطالعه بیشتر، می‌توان به کتاب ویلی برانت (۱۳۷۰) مراجعه کرد.

۳. مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثِيَ ۖ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ. نحل: ۹۷.

اقدام کنند. افراد، نهادها و سازمان‌ها هر یک قابلیت‌های تخصصی دارند یا می‌توانند قابلیت‌هایی کسب کنند یا این‌که می‌توانند افزون بر قابلیت‌های ذاتی و قانونی و اکتسابی خود، از قابلیت‌های یکدیگر استفاده کنند. قابلیت‌های تخصصی ممکن است شامل منابع انسانی، تجهیزات و منابع طبیعی و نیز دانش، مهارت و آموزش باشد و ترکیب پیچیده این سرمایه‌ها و ذخایر دانشی و فیزیکی، حائز اهمیت است (توفیق، ۱۳۸۳).

شتاب تحولات و رقابت‌های جهانی با محوریت چند کشور پیش‌تاز در عرصه‌های تمدنی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی موجب شده است که دستیابی به پیشرفت و تعالی مورد نظر یک فرایند از پیش‌اندیشیده شده، هدفمند و نظام‌مند باشد. در دوره پرچالش، فرصت‌ساز و تهدیدآفرین گذار، آنقدر فرصت و منابع مادی و معنوی در اختیار ملت‌ها و دولت‌ها نیست که مطابق میل و خواست خود حرکت کنند و عاقبت بخیر شوند. به علاوه، همه الزامات، استلزامات و بایسته‌های مسیر تعالی و پیشرفت در آن واحد و در یک برهه معین دارای اهمیت و اولویت هم‌تراز و همسنگ نیستند. از سوی دیگر، توقعات، انتظارات، خواسته‌ها و نیازهای اشخاص، ملت‌ها و جوامع در مقایسه با گذشته و جوامع سنتی، رو به تزايد و فزاینده است. در چنین موقعیت خطیری نمی‌توان مثل گذشته و با رویکرد خطی و پیوسته پیشرفت را محقق کرد، بلکه پیشرفت یک فرایند مدیریت شده شبکه‌ای و غیر خطی و گسسته است.

آدام اسمیت<sup>۲</sup> کاری را که تنها یک نفر انجام می‌داد را میان افراد بیشتری تقسیم کرد و دریافت که در صورت تقسیم کار، هریک از افراد در کار خود خبره‌تر می‌شوند و به تبع آن، کارها با کیفیت بهتری انجام می‌شود و از اتلاف زمان نیز جلوگیری می‌شود

سعادت حقیقی انسان، گام و حرکت نوینی در پارادایم و گفتمان پیشرفت می‌باشد. بنا به عوامل و دلایل متعدد داخلی و بیرونی، ملت ایران در تولید و عرضه یک الگوی رقیب پیشرفت در جهان، موفق نبوده است (قرایی، ۱۳۹۲؛ جعفری صمیمی، ۱۳۹۴؛ بهمن، ۱۳۹۷). با این حال، تلاش جمهوری اسلامی ایران می‌تواند به ثمر نشست و ملت ایران را به یکی از مدعیان پیشرفت در جهان تبدیل کند. این تلاش، مستلزم لوازم متعددی است که در رأس آنها اهتمام نخبگان، مشارکت آحاد مردم، تعمیق دائم حکمرانی مشارکتی در سطوح مختلف مردم‌سالاری، سیاست‌گذاری و تدوین برنامه‌های دقیق راهبردی و عملیاتی است (مهدی، ۱۳۹۸).

در این مقاله، با رویکرد ارشادی مثبت‌گرا و استفاده از اسناد و تجارب به‌ویژه شرکت در چندین کنفرانس ملی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، و کاربست تفکر سیستمی<sup>۱</sup>، سازوکاری برای تقسیم کار ملی برای اجرای الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، توسعه داده شده است. در واقع، هدف اصلی این مقاله، توسعه و تبیین یک سازوکار عملیاتی ساده و بدون تکلف فنی - مفهومی، برای آغاز فرایند اجرای الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت می‌باشد.

### مبانی نظری و پیشینه پژوهش

تقسیم کار ملی یکی از ضرورت‌ها و ملزومات نظام حکمرانی خوب است. تقسیم کار ملی فرایندی است که به‌واسطه آن روند اداره و راهبری جامعه به مراحل تقسیم می‌شود و برای هر مرحله خاص، نهادها و دستگاه‌های اجرایی اصلی و همکار تعیین می‌شود. تقسیم کار ملی، تفکیک تکالیف در هر نظام حکمرانی است تا شرکت‌کنندگان بتوانند متخصص شوند و به‌صورت حرفه‌ای و مسئولانه برنامه‌ریزی و

2. Adam Smith

1. Systems Approach

دیگری با هدف یا اهداف تقریباً واحد، تشکیل شده است (زاهدی، ۱۳۹۳؛ یوردون<sup>۳</sup>، ۱۳۷۶). اگر هر یک از زیرسیستم‌های اصلی یا فرعی در جهت واحد کار یا هدف (کارکرد<sup>۴</sup>) سیستم حرکت نکنند، سیستم دچار ضعف شده و دستیابی به اهداف سیستم مشکل می‌شود. همچنین، در نظریه سیستم‌ها منظور از فرایند، تمامی عواملی است که در درون سیستم موجب تبدیل درونداد به برونداد می‌شوند. در یک سیستم هر زیرسیستمی تغییر کوچکی را بر روی درونداد ایجاد می‌کند تا در نهایت درونداد تبدیل به برونداد شود. یکی از عوامل اساسی ضعف عملکرد زیرسیستم‌ها، عدم تقسیم درست کارها بین اجزا و عناصر سیستم است. سیستم‌ها (سازمان‌ها و نهادها) از نظر رتبه دموکراسی نیز با هم تفاوت دارند. در برخی نهادها می‌توان دموکراسی بیشتری اعمال کرد و با اختیار و آزادی عمل بیشتری کارها را تفویض نمود و در برخی نهادها و دستگاه‌ها امکان اعمال مفروضات دموکراسی کمتر و امکان تفویض امور با وسواس و خست بیشتری انجام می‌شود (مهدی، ۱۳۹۹).

پارادایم توسعه پایدار (افق توسعه ملل متحد ۲۰۳۰)، نگاهی به آینده داشته و فراتر از رشد کمی مورد توجه در دیدگاه‌های پیشین، رشد کیفی و توسعه انسانی را مورد توجه قرار می‌دهد. این مسأله در برنامه توسعه ملل متحد نیز ذکر شده است: توسعه مسئولیتی چندوجهی برای دستیابی به زندگی با کیفیت برای همه افراد است. توسعه اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی به هم وابسته بوده و متقابلاً شکل دهنده عوامل توسعه پایدار می‌باشند. بنابراین، در توسعه پایدار، پایداری مشتمل بر مفاهیمی نظیر فقرزدایی، شهروندی، صلح، اخلاق، مسئولیت‌پذیری ملی، محلی و جهانی، مردم‌سالاری، حکمرانی خوب، عدالت و

(Takashi, 2000). تیلور<sup>۱</sup> هم تحقیقات خود را با تقسیم کار آغاز کرد. تیلور با ارائه اصول مدیریت تأکید نمود که در سازمان باید تقسیم منطقی کار صورت گیرد. وی تقسیم منطقی کار را چنین شرح داد که مدیر یا کارفرما باید برنامه‌ریزی کند و کارگر باید به اجرای برنامه‌های مصوب مدیریت بپردازد (Kakar, 1970). همچنین، تقسیم کار در اصول چهارده‌گانه فایول<sup>۲</sup> به عنوان یک اصل مطرح است. فایول در سطحی گسترده‌تر به فرایند تقسیم کار پرداخت. در نظریه فایول علاوه بر تقسیم کار، گروه‌بندی وظایف نیز حائز اهمیت شد. فایول معتقد است فعالیت‌های نهادی در حیطه‌های مختلفی گروه‌بندی می‌شوند. هر گروه از فعالیت‌ها در اختیار یک گروه کاری قرار می‌گیرد و سپس در هر گروه، تقسیم کار صورت می‌گیرد (Rodrigues, 2001). از این‌رو، تقسیم کار از لایه‌های مختلفی شامل کل و جزء تشکیل می‌شود. هرچه از وسعت کارها کم می‌شود گروه‌های کاری خردتر شده و به جایی می‌رسد که نهایتاً تک‌تک وظایف بین افراد تجزیه و تقسیم می‌شود. تقسیم کار به اشکال گوناگونی نظیر تقسیم کار جغرافیایی، تقسیم کار از نظر کل و جزء بودن، تقسیم کار از نظر تخصص مورد نیاز برای انجام امور، تقسیم کار از محدودیت‌های اطلاعاتی یا محرمانگی، تقسیم کار از نظر فکری (دانش‌محوری) یا دستی بودن (کارمحوری) و عوامل دیگر شکل می‌گیرد. هر یک از این اشکال و عوامل در جایگاه و به سهم خود، با ارزش و خطیر هستند.

نظریه سیستم‌ها به پدیده تقسیم کار با اصطلاحاتی نظیر سلسله‌مراتب، سیستم، زیرسیستم‌های اصلی و فرعی می‌نگرد. براساس این نظریه هر سیستمی از زیرسیستم‌ها و هر زیرسیستم نیز از زیرسیستم‌های

3. Yourdon  
4. Function

1. Taylor  
2. Fayol

امنیت، حقوق بشر، تنوع فرهنگی، الگوهای تولید و مصرف، حفاظت از محیط زیست و مدیریت منابع طبیعی، تنوع زیست محیطی و بقای زمین است (Winston, 2011؛ جمعه پور، ۱۳۸۲؛ سلطانی پور و دماری، ۱۳۹۵). این پایداری، زمانی حاصل می شود که افراد اصول احترام و نگهداری از اجتماع زندگی، پاسداری از اجتماع، زندگی همراه با درک، مهربانی و عشق، ایجاد جوامع مردم سالار، عادلانه، مشارکت پذیر، پایدار و صلح جو، نگهداری از ثروت ها و زیبایی های زمین، برای نسل های آینده و کنونی را بپذیرند (جاودانی و میلی منفرد، ۱۳۹۲). بنابراین، در حال حاضر نگرش تک بعدی به واژه توسعه مطرود است. یک جامعه توسعه یافته جامعه ای است که از تمامی امکانات زیستی و بینش اجتماعی، فرهنگی و سیاسی برخوردار باشد و بر این اساس توسعه در معنای عدالت اجتماعی معنا می یابد (مطیعی، ۱۳۸۰). رسیدن به این بینش به آگاهی افراد وابسته است؛ به انسان هایی نیاز است که علاوه بر توانمندی های اقتصادی، دارای بینش اجتماعی- فرهنگی نیز باشند. همچنین، جامعه ای از منظر اجتماعی پایدار محسوب می شود که افراد می توانند نهایت توانمندی های خود را در زندگی شکوفا کنند، به لحاظ فکری رشد کرده و برای کار و مشارکت در فعالیت های اجتماعی آماده شوند و از زندگی شان لذت ببرند، دانش و درک خود را از الزامات و رویه های محلی، منطقه ای، ملی و جهانی افزایش دهند. به علاوه، افراد در شکل دهی به جامعه دموکراتیک و متمدن نقش ایفا کنند، تبادل ایده ها و عقاید را برای توسعه جامعه دانش محور و ترویج همگرایی و همکاری در فعالیت ها تسریع بخشند و دستاوردهای فنی برای افزایش مزایای جامعه دانش بنیان را ارزیابی کرده و ارزش گذاری نمایند (Afgan and Carvalho, 2010).

پرسش مهم این است که پارادایم (الگو) توسعه پایدار که برای توسعه جهان در افق ۲۰۳۰ مورد توافق ملت ها قرار گرفته است، چه مشکلی دارد که لازم است هر یک از جوامع (ملت ها و دولت ها) خواهان پیشرفت برای خود یک الگوی انحصاری و ویژه طراحی، تدوین و عملیاتی کنند؟ می توان گفت مزیت عمده اسناد و الگوهای توسعه (و پیشرفت) تعیین، تدقیق و شفاف سازی جزئیات و نقشه راه حرکت ملت در افق مد نظر است. نمونه بی نظیر و وحیانی سند الگوی پیشرفت یک امت، قرآن کریم است. این سند در نهایت جزئیات، دقت و شفافیت برای ترویج و اجرا ابلاغ شده است. با استناد به برداشت ها، تعبیر و تفاسیر گوناگون از قرآن کریم، می توان گفت که از هر سند دیگری می توان برداشت های چندگانه و حتی متضاد و سوگیرانه، وجود داشته باشد. همچنین، تجربه نشان می دهد که همه یا بخش عمده ای از یک الگوی توسعه می تواند هرگز عملیاتی نشود. به عبارتی، در برخی موارد، بود یا نبود یک الگوی کلی و مبهم تأثیری در واقعیت های صحنه طرح و عمل ندارد. شواهد عمده این گزاره ها، تجربه طراحی و تدوین چندین سند توسعه ای ملی یا بخشی نظیر سند چشم انداز بیست ساله ایران، اسناد قوانین پنج برنامه پنج ساله توسعه کشور، سند نقشه جامع علمی کشور، سند تحول بنیادین در آموزش و پرورش، سند دانشگاه اسلامی، سند مهندسی فرهنگی و نظایر اینها است. سرنوشت و کیفیت حیات این اسناد می تواند دانش مفیدی در مسیر تدوین و سازوکار اجرای الگوهای توسعه باشد. به عنوان نمونه، در عمل، تمامی اقدامات و برنامه های توسعه پیش بینی شده در نقشه جامع علمی کشور، مورد توجه دانشگاه ها و مؤسسات آموزشی، پژوهشی و فناوری قرار نگرفته و توسعه علم و فناوری کشور تابع قاعده محکم از پیش طراحی شده، نمی باشد (Mahdi, 2015). در مقایسه با نقشه

### روش تحقیق

در این مطالعه، برای توسعه یک سازوکار مناسب برای تقسیم کار ملی به منظور اجرای الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت از روش مرور اسناد و تجارب به‌ویژه دانش حضور در چندین کنفرانس ملی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت از سال ۱۳۹۵ استفاده شده است. در این پژوهش، اسناد توسعه برخی کشورها نظیر کشور چین و ترکیه و برخی اسناد علمی در زمینه نحوه تقسیم و تجزیه طرح‌ها و فعالیت‌ها به‌صورت کارا و اثربخش، به‌صورت هدفمند، به مفهوم تمرکز بر ساختار اجرای اسناد کشورها و تجربه قابل کاربرد در اسناد ملی کشور، مرور شده است (Yongxiang, 2010). ملاک‌های اصلی مبنای مرور این اسناد، فرایند تهیه و تصویب آنها، قالب و شکل نهایی اسناد، نحوه تقسیم کار ملی و نهایتاً نحوه کنترل و نظارت بر اجرا بوده است. البته، این تجربه و مرور، مختص زمان نگارش و تنظیم این مقاله نبوده و به‌عنوان یک تجربه زیسته بیش از دو دهه سابقه و قدمت دارد.

### یافته‌های پژوهش

مرور متن الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت نشان می‌دهد محورهای این سند نیز مشابه با سایر اسناد ملی و بخشی مذکور با دسته‌بندی و طبقه‌بندی موضوعی معنی‌داری تدوین نشده است. بدیهی است اگر به کلیات و مبانی تهیه شده در الگو بسنده و اکتفا شود، در عمل و در صحنه اجرا لاجرم باید مجدداً به شاخص‌ها و معیارهای متداول جامعه جهانی و توسعه از منظر تمدن و الگوی مسلط جهانی، مراجعه کرد و آنها را خشت‌های بنای پیشرفت تعیین کرد؛ سازوکار و رویه‌ای که در حال حاضر تقریباً بر تمامی ارکان و شئون توسعه ملی و بخشی حاکم است (مهدی، ۱۳۹۸). در این صورت، نیازی به بنای الگوی جدید

علمی کشور، سند تحول بنیادین در آموزش و پرورش نیز وضعیت بهتری ندارد. هر طیف از متخصصان و وزرای آموزش و پرورش این سند و محتوای آن را به‌زعم خود تفسیر و تعبیر می‌کنند. جالب‌تر اینکه، تعبیر و تفسیر اغلب موفقان و منتقدان درست بوده و از این سند قابل استنتاج است. سند دانشگاه اسلامی نیز از جمله اسناد مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی است که از کم و کیف اجرای آن خبری نیست. این سند علی‌رغم محتوای غنی، در عمل متوقف بوده است. سند مهندسی فرهنگی نیز در حد یک متن رها شده و ظاهراً کسی به اجرای آن فکر نمی‌کند. سند چشم‌انداز بیست‌ساله کشور نیز در مقایسه با سایر اسناد ملی و بخشی، وضعیت بهتری ندارد.

افزون بر آنها، پژوهش طهوری، نوری و جلیلی (۱۳۹۱) نشان می‌دهد که طرح‌های کلان ملی دارای کاستی‌ها و ضعف‌های متعددی شامل خرد شدن نامناسب، فقدان ساختار و سازمان مناسب برای اجرا، ارزیابی نامطلوب، فقدان بینش راهبردی، فقدان اولویت‌گذاری صحیح، بودجه‌ریزی نامناسب هستند. در این پژوهش، سه الگوی موفق جهانی شامل مدل ساختار طرح‌های اتحادیه اروپا، مدل پلتفرم‌های فناوری اتحادیه اروپا و مدل بنیاد ملی علوم آمریکا برای جبران و رفع کاستی‌های اجرایی طرح‌های کلان ملی ارائه شده است. همچنین، مجیدپور و نامداریان (۱۳۹۴)، مهم‌ترین موانع اجرای اسناد سیاست علم و فناوری را معضل اولویت‌گذاری، عدم انطباق‌پذیری سیاست‌ها با چالش‌ها، عدم شبکه‌سازی سیاست‌گذاران و فقدان نگاه فرابخشی، برشمرده‌اند. بنابراین، سازوکار اجرایی برای تقسیم کار ملی یکی از اولویت‌های اساسی در موفقیت اسناد و طرح‌های کلان ملی است.

قضایی، نظام تقنین، نظام آموزشی و نظایر اینها تجزیه و تقسیم شود (شکل ۱).

همچنین، در راستای تقویت امکان‌پذیری اجرا و پایش هر یک از سیستم‌ها و زیرسیستم‌ها و طراحی دقیق‌تر تقسیم کار ملی، لازم است با استفاده از تفکر و رویکرد سیستمی، «فعالیت‌های اجرایی» هر یک از زیرسیستم‌ها تعیین گردد. این تقسیم‌بندی و تجزیه، باعث می‌شود که قدرت اجرا و نظارت بر «نظام جامع» الگوی پیشرفت افزایش یافته و تعبیر و تفسیر فردی، گروهی و نهادی از الگو به حداقل برسد.

به علاوه، لازم است پیش از آغاز فرایند اجرای الگوی پیشرفت (عملیاتی شدن نظام جامع) درباره هر یک از اجزای آن (سیستم‌ها، زیرسیستم‌ها و فعالیت‌ها) به شش پرسش اصلی پاسخ داده شود: چه چیزی؟ چرا؟ چگونه؟ چه زمانی؟ چه نهادی؟ در چه جایی (با چه آمیشتی)؟ با پاسخ به این پرسش‌ها به یک نظام جامع (الگوی پیشرفت) شفاف، دقیق، عملیاتی و قابل دفاع و اجماع با کمترین احتمال و امکان بروز شکاف بین متن و اجرا، دست خواهیم یافت.

به صورت موازی و همزمان با تجزیه نظام جامع الگوی پیشرفت به سیستم‌ها، زیرسیستم‌ها و فعالیت‌ها باید «نهادها و دستگاه‌های متولی و مسئول» اجرای هر یک از سیستم‌ها، زیرسیستم‌ها و فعالیت‌ها مشخص شود (شکل ۲). چنان که در شکل ۲ نشان داده شده است، این نهادها و دستگاه‌ها می‌توانند اصلی یا همکار باشند که لازم است این وضعیت نیز قبل از واگذاری مسئولیت اجرا به صورت سلسله‌مراتبی<sup>۲</sup>، مشخص و قطعی شود.

برای توسعه و پیشرفت وجود ندارد. همسو با جستجو و طراحی یک الگوی نوین پیشرفت، باید محورهای پیشنهادی چنین الگویی بر اساس ابعاد راهبردی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، علمی-فنی، حقوقی و قانونی و نظایر اینها طبقه‌بندی، تنظیم و تدوین شود. پیشرفت و الگوی آن همچون «کوه‌یخی» است که با نگارش و تدوین مبانی، آرمانها، رسالت، افق و تدابیر صرفاً بخش کوچکی از این کوه عظیم رخ می‌نماید. در واقع، با طبقه‌بندی الگوی پیشرفت به اجزای منسجم تفصیلی می‌توان بخش‌های بیشتری از «کوه‌یخی» پیشرفت را رؤیت و راهبری کرد. بنابراین، لازم است برای تقسیم کار ملی و افزایش امکان‌پذیری اجرای الگوی پیشرفت، مطابق سازوکار ارائه و پیشنهاد شده در این مطالعه، با بهره‌گیری از راهکارها و روش‌های تجزیه و تحلیل سیستم‌ها و مدیریت فرایند و مدیریت پروژه سه کار عمده به صورت همزمان و موازی با راهبری و مسئولیت فکری و عملیاتی مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت صورت گیرد:

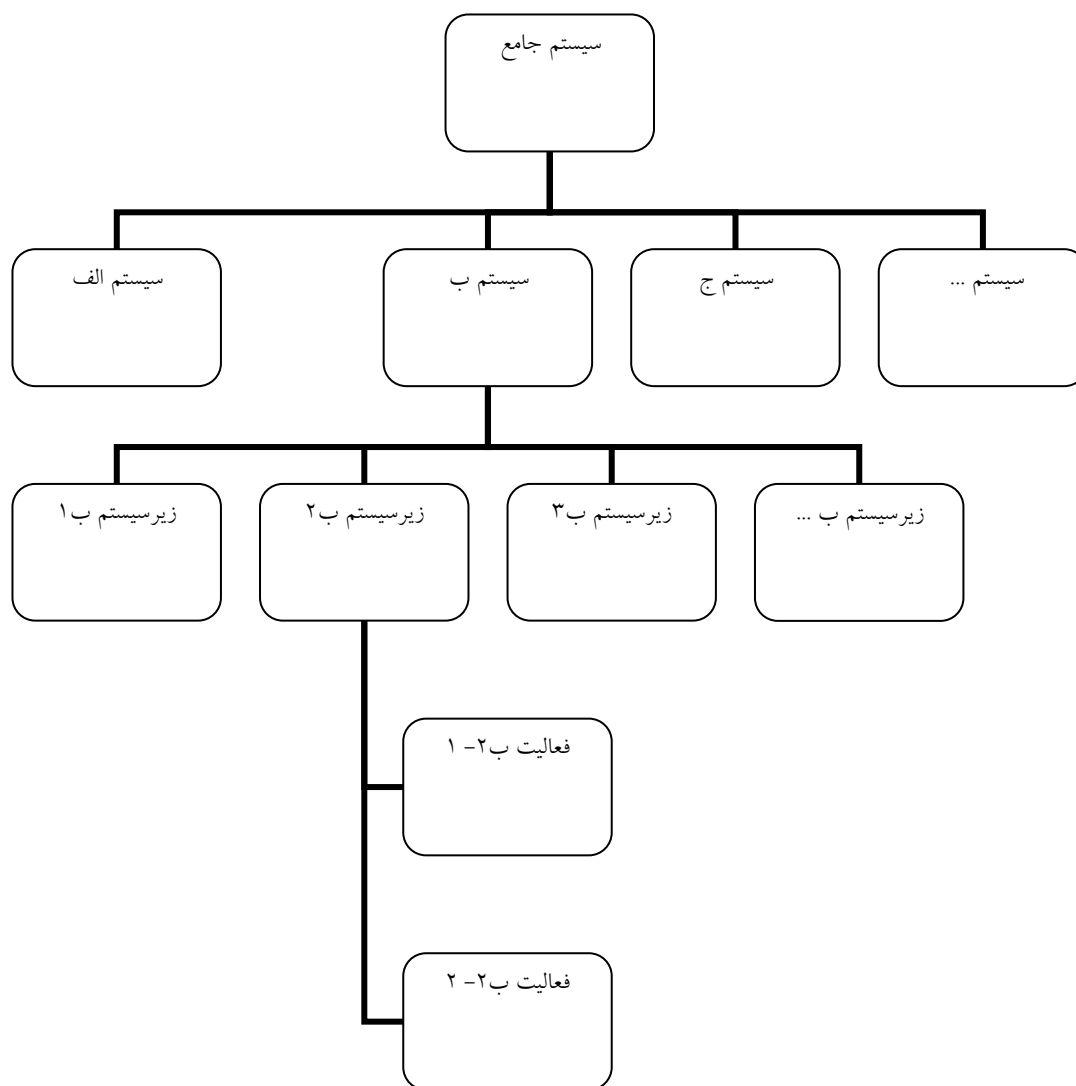
۱. تقسیم و تجزیه الگوی پیشرفت به مثابه یک «نظام جامع» به اجزا و عناصر تفصیلی.
۲. تعیین «نهادها و دستگاه‌های متولی و مسئول» اجرای هر یک از «اجزا و عناصر» الگو.
۳. تعیین «برنامه زمانی» اجرا، پایش و گزارش عملکردها.

لازم است مطابق سازوکار ارائه شده در این مطالعه، با استفاده از تفکر و نگرش سیستمی، الگوی پیشرفت به مثابه «سیستم جامع» در یک فرایند کار گروهی به انواع سیستم‌ها نظیر نظام اقتصادی، نظام اجتماعی، نظام فرهنگی، نظام امنیتی، نظام دفاعی، نظام علمی، نظام روابط بین‌المللی، نظام تولیدی، نظام

1. What, Why, How, When, Who, Where (6W)

2. Hierarchical



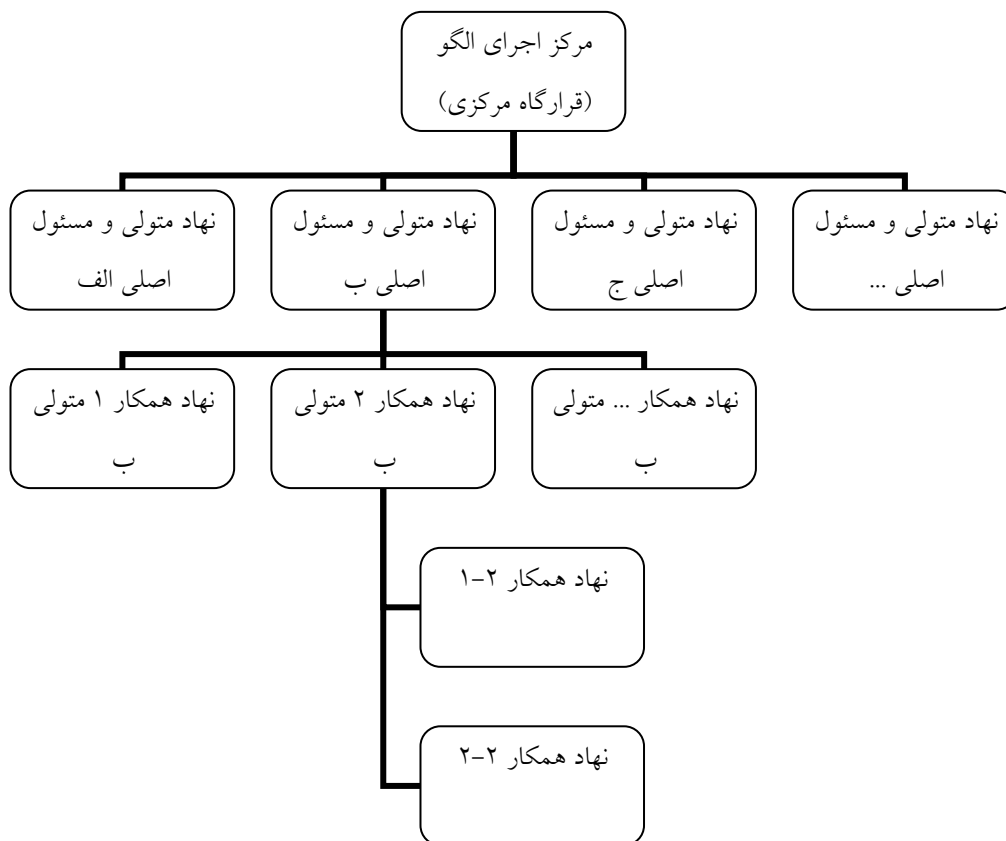


شکل ۱- تجزیه سیستم جامع الگوی پیشرفت

انجام می شود:

۱. فهرست بندی سیستم های اصلی الگو (ستون اول جدول)،
۲. فهرست بندی سیستم های فرعی هر یک از سیستم های اصلی (ستون دوم جدول)،
۳. فهرست بندی فعالیت های زیرمجموعه هر یک از زیرسیستم ها (ستون سوم جدول) و
۴. تعیین محدوده زمانی انجام هر یک فعالیتها (ستون آخر جدول).

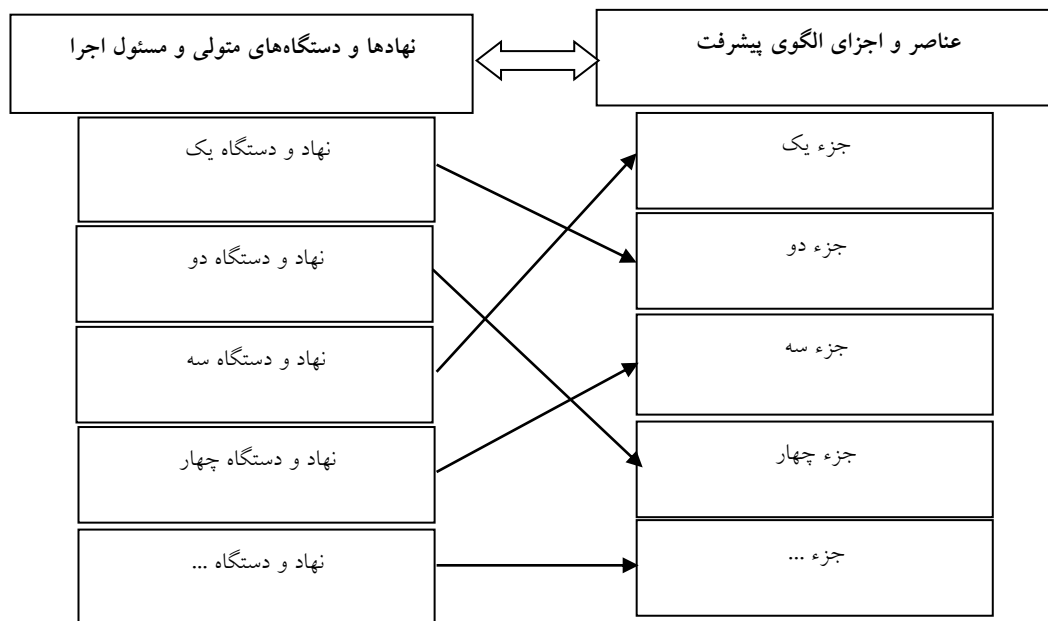
تعیین برنامه زمانی برای انجام فعالیتها و مسئولیت های محوله برای هر یک از نهادها و دستگاه های متولی و مسئول، اقدام مهم دیگری است که باید توسط مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت (قرارگاه مرکزی) صورت گیرد. براساس این اقدام، زمان انجام، پایش و گزارش هر یک از فعالیت های اصلی و پشتیبان زیرسیستم ها به شرح جدول ۱ تعیین می شود. در این جدول، چهار گام اصلی به شرح زیر



شکل ۲- تعیین نهادهای ملی متولی و مسئول اصلی و پشتیبان الگو

جدول ۱- برنامه زمانی منعطف برای اجرای الگو

زمان بندی (سالها مفروض است)						فعالیتها	زیرسیستمها	سیستمها	
...	۴۰ ساله	۳۰ ساله	۲۰ ساله	۱۰ ساله	۵ ساله				
						فعالیت ۱	زیرسیستم ۱	سیستم الف	
						فعالیت ۲			
						فعالیت ...			
							زیرسیستم ۲		
							زیرسیستم ...		
									سیستم ب
									سیستم ...



شکل ۳- روابط اجزای الگو و نهادهای متولی و مسئول اجرا

فرصت‌ها و منابع مادی و معنوی در اختیار کشورها آن‌قدر فراوان نیست که مطابق میل و خواست خود بدون الگوی مشخص، حرکت کنند. به علاوه، همه الزامات و استلزامات مسیر پیشرفت در آن واحد و در یک برهه معین دارای اهمیت و اولویت هم‌تراز و مساوی نیستند. با شناخت ضعف‌های طراحی، اجرا و نظارت بر تحقق اسناد ملی، در این پژوهش، تلاش شده است که با مرور اسناد و تجارب پیشین، سازوکار معتبری برای تقسیم کار ملی با هدف اجرای اثربخش و کارآمد محتوای سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت طراحی و ارائه شود. با به‌کارگیری سازوکار ارائه شده در این پژوهش، محتوای سند الگوی پیشرفت با منطق علمی به اجزا و عناصر قابل اجرا و پایش، تقسیم می‌شود و متولیان اصلی و فرعی اجرا و نظارت، با تعیین محدوده‌های زمانی معنی‌دار، مشخص می‌گردد. با اتکا به یافته‌های این پژوهش، به‌منظور افزایش قابلیت اجرا و پایش الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و تعیین سهم هر یک از نهادها و دستگاه‌های ملی متولی اجرا و پایش، دست‌کم باید پنج گام قبل از آغاز فرایند

در جدول ۱، «واحد زمان» می‌تواند بنا به نیاز و نوع فعالیت شامل ماه، فصل، سال، ۳ سال، ۵ سال، ۱۰ سال و نظایر این‌ها باشد. در انتخاب زمان، باید به معناداری آن در انجام، کنترل و گزارش فعالیت و نهایتاً گزارش اجرای الگو، دقت شود.

در تقسیم و تجزیه الگو و تعیین نهادهای متولی و مسئول به روش ماتریس عمل می‌شود (شکل ۳). براساس این ماتریس، هر نهاد و دستگاه ملی، به‌صورت منسجم و هماهنگ با سایر نهادها و دستگاه‌ها، متولی و مسئول اجرای بخشی از الگوی پیشرفت در زمان‌بندی معین (مطابق جدول ۱) می‌باشد.

### نتیجه‌گیری و پیشنهاد

شتاب تحولات محیطی و رقابت‌های منطقه‌ای و جهانی در عرصه‌های تمدنی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی موجب شده است که دستیابی به پیشرفت یک مسیر و فرایند از پیش طراحی شده باشد. در دوره گذار از وضع موجود به آینده بهتر،

اجرا به شرح زیر برداشته شود:

۱) الگوی پیشرفت به مثابه یک «نظام جامع» تعریف شود.

۲) نظام‌های الگوی پیشرفت شامل نظام‌های سیاسی، اقتصادی و غیره (مطابق شکل ۱) به صورت شفاف و دقیق، تعیین و تدوین شود،

۳) زیرنظام‌های هر یک از نظام‌ها و در نهایت فعالیت‌های اجرایی هر یک از زیرنظام‌ها طراحی و تنظیم شود (مطابق شکل ۱)

۴. به صورت موازی و همزمان با تجزیه نظام جامع الگوی پیشرفت به سیستم‌ها، زیرسیستم‌ها و فعالیت‌ها، نهادها و دستگاه‌های متولی و مسئول اجرای هر یک از سیستم‌ها، زیرسیستم‌ها و فعالیت‌ها مشخص شود (مطابق شکل ۲). این نهادها و دستگاه‌ها می‌توانند اصلی یا همکار باشند که لازم است این وضعیت نیز مشخص و تعیین تکلیف شود.

۵) «برنامه زمانی» برای انجام فعالیت‌های محول شده به نهادهای مسئول، اقدام مهم دیگری است که باید مطابق جدول ۱، طراحی و عملیاتی شود. براساس

این اقدام، زمان انجام، پایش و گزارش هر یک از فعالیت‌های اجرایی تعیین می‌شود.

با تحقق گام‌های فوق می‌توان تا حد زیادی امیدوار بود که تدابیر و اقدامات تنظیم شده در سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در راستای افق‌ها به نسبت قابل قبولی عملیاتی شود و نتایج و پیامدهای آن کام مردم را شیرین کند. مهم‌تر اینکه؛ با تحقق اهداف و چشم‌انداز مصور در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، یک الگوی رقیب برای الگوهای متعارف پیشرفت و توسعه (عمدتاً غربی)، وارد میدان رقابت جهانی شود.

### تقدیر و تشکر

از همکاران محترم مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت بابت ایجاد زمینه و فرصت برای پژوهش در موضوع الگوی پیشرفت و الزامات اجرایی آن سپاسگزارم. امیدوارم راهی را که آغاز کرده‌اند با کمک خداوند متعال و همیاری نخبگان و خبرگان کشور، به مقصد مطلوب نائل گردانند.

### منابع

- برانت، وی. ۱۳۷۰. جهان مسلح، جهان گرسنه، ترجمه هرمز همایون‌پور، تهران. سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- بهمن، ش. ۱۳۹۷. الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت از منظر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای. فصلنامه نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان، ۸ (۲): ۵-۳۵.
- توفیق، ف. ۱۳۸۳. تجربه چند کشور در برنامه‌ریزی، تهران. انتشارات مؤسسه عالی آموزش و پژوهش در مدیریت و برنامه‌ریزی. جاودانی، حمید و میلی منفرد، ج. ۱۳۹۲. دانشگاه پایدار گذرگاهی برای زیستی با کیفیت. مجموعه مقالات دومین همایش آموزش عالی و توسعه پایدار. ۲۹-۴۸.
- جعفری صمیمی، ا. ۱۳۹۴. اصلاح اقتصاد بخش عمومی؛ محور اساسی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت. تهران. مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.
- جمعه‌پور، م. ۱۳۸۲. عوامل اصلی در فرایند توسعه پایدار. فصلنامه علوم اجتماعی، ۲۲: ۱۳۰-۱۰۳.
- زاهدی، ش. ۱۳۹۳. تجزیه و تحلیل سیستم‌ها و روش‌ها، تهران. انتشارات دانشگاه پیام نور
- سلطانی‌پور، ف.، و دماری، ب. ۱۳۹۵. وضعیت توسعه پایدار در ایران. مجله دانشکده بهداشت و انستیتو تحقیقات بهداشتی، ۱۴ (۴): ۱-۱۴.

- طهروی، ح.ر.، نوری، م. و جلیلی، پ. ۱۳۹۱. پیشنهاد ساختاری برای ارزیابی و اجرای طرح‌های کلان ملی توسعه فناوری. فصلنامه رهیافت، ۵۱: ۱۵-۲۸.
- قزایی، س. م. ج. ۱۳۹۲. بایسته‌های فرهنگی پیشرفت؛ الزامات فرهنگی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت. مجموعه مقالات دومین کنفرانس اسلامی ایرانی پیشرفت، تهران. مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت: ۱۴۵۵-۱۴۳۷.
- مجیدپور، م. و نامداریان، ل. ۱۳۹۴. شناسایی موانع اجرای اسناد سیاست علم و فناوری کشور. فصلنامه مدیریت نوآوری، ۴ (۴): ۳۱-۶۰.
- محمد، م. ۱۳۷۸. در جستجوی فقر یا مُلک سلیمان، ترجمه محمد سوری، تهران. انتشارات سیمین.
- مطیعی لنگرودی، س. ح. ۱۳۸۰. راهبردهایی در ارتباط با تحقق عدالت اجتماعی و توسعه پایدار. مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، ۱۵۷: ۱۸-۳۴.
- مهدی، ر. ۱۳۹۸. کنکاشی در «تدابیر الگو»: ضرورت ابهام‌زدایی و همسویی با فرازهای «افق»، تهران. هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.
- مهدی، ر. ۱۳۹۹. اجرای کدامین «الگو»: تحلیلی بر امکان‌پذیری اجرای الگوی «فعلی» اسلامی ایرانی پیشرفت، تهران. نهمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.
- الوانی، سیدمهدی و پورعزت، ع. ا. ۱۳۸۲. عدالت اجتماعی شالوده توسعه پایدار. کمال مدیریت، ۲ و ۳: ۲۱-۱.
- یوردون، ا. ۱۳۷۶. تحلیل ساخت‌یافته نوین، ترجمه مرجان رضایی، ماندانا کاویانی و محمد جواد بهرامی، جلد اول، تهران. انتشارات سازمان مدیریت صنعتی.
- Afgan, N.H., and Carvalho, M.G. 2010. The Knowledge Society: A Sustainability Paradigm. *Cadmus*, 1 (1): 23-47.
- Cowen, M.P. and Shenton, R.W. 1996. *Doctrines of Development*. Routledge.
- Crossman, A. 2019. *Durkheim's Division of Labor in Society*. Thought Co. London.
- Greig, A.D.H. and Turner M. 2007. *Challenging Global Inequality, Development Theory and Practice in the 21st century*. New York. Palgrave Macmillan.
- Kakar, S. 1970. *Frederick Taylor: a study in personality and innovation*. Cambridge, Mass: MIT Press.
- Mahdi, R. 2015. *Evaluation of National Science and Technology Policies in Iran*. Elsevier. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 195: 210-219.
- Preston P.W. 1988. *Rethinking Development*. Routledge and Kegan Paul Books Ltd.
- Preston P.W. 1996. *Development Theory: An Introduction to the Analysis of Complex Change*. Wiley-Blackwell.
- Rapley, J. 2007. *Understanding Development*. Boulder. Lynne Rienner Publication. London.
- Rodrigues, C.A. 2001. Fayol's 14 principles of management then and now: a framework for managing today's organizations effectively. *Management Decision*, 39 (10): 880-889.
- Takashi, N. 2000. Adam Smith's division of labor and structural changes. *Structural Change and Economics*, 11 (2000): 5-11
- Winston, M. 2011. *Sustainability and Social Justice*. *International Journal of Business and Social Science*, 2 (16): 46-69.
- Yongxiang L. 2010. *Science & Technology in China: A Roadmap to 2050*. Strategic General Report of the Chinese Academy of Sciences. Press Beijing and Springer-Verlag Berlin Heidelberg.

